

اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های بین‌فرهنگی بر تعارض زناشویی زوجین با فرهنگ‌های متفاوت

The effectiveness of couple therapy based on intercultural dynamics on marital conflict of couples with different culture

Nargess Nasr Isfahani
Family Counseling
Fatemeh Bahrami,
Ozra Etemadi &
Rahmat Allah Mohamadi
University of Isfahan

نرگس نصر اصفهانی
مشاور خانواده
فاطمه بهرامی*
عذرا اعتمادی و
رحمت ا... محمدی
دانشگاه اصفهان

چکیده: در عصر حاضر به دلیل گسترش ارتباطات و افزایش مهاجرت، تشکیل خانواده و ازدواج نیز تحت تاثیر قرار گرفته است و شاهد افزایش ازدواج‌های بین‌فرهنگی هستیم. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بر تعارض زناشویی زوج‌های با فرهنگ متفاوت انجام گرفت. روش این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون-پیگیری با گروه کنترل بود. نمونه پژوهش حاضر را ۱۶ زوج بین‌فرهنگی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره استان اصفهان تشکیل دادند که به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. متغیر وابسته در این پژوهش تعارض زناشویی بود که با پرسشنامه تعارض زناشویی ثنایی و براتی (MCQ) ارزیابی شد. متغیر مستقل نیز زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بود که طی ۸ جلسه به‌صورت زوجی برای گروه آزمایش اجرا شد. یافته‌ها نشان داد که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بر تعارض زناشویی زوجین دارای ازدواج بین‌فرهنگی موثر است و میزان آن را کاهش داده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که آموزش‌های مناسب در قالب زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی می‌تواند نگرانی‌های زوجین دارای ازدواج بین‌فرهنگی را کاهش دهد و منجر به کاهش تعارض زناشویی آنان شود.

واژه‌های کلیدی: زوج‌درمانی، ازدواج بین‌فرهنگی، پویایی ازدواج، تعارض زناشویی

Abstract: In the present age, due to the expansion of communication and the increase in immigration, family formation and marriage have also been affected, and we are witnessing an increase in intercultural marriages. The purpose of this study was to determine the effectiveness of intercultural couple therapy on intercultural couple's marital conflict in Isfahan. The research procedure was quasi-experimental with pre-test, post-test and follow-up design with control group. Statistical population consisted of 16 couples referring to counseling centers of Isfahan, who were randomly assigned to experimental and control groups. The depended variable was marital conflict that was assessed through a marital conflict questionnaire. The independent variable was intercultural couple therapy that was performed for the experimental group in 8 sessions. The results showed that intercultural couple therapy decreased marital conflict of intercultural couples. These findings revealed that suitable training in the form of intercultural couple therapy can reduce couples' psychological worries and decrease their marital conflict.

Keywords: couple therapy, intercultural marriage, marital dynamics, marital conflict

* نشانی پستی نویسنده مسوول: استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان. پست الکترونیکی: dr-f.bahrami@edu.ui.ac.ir

Received: 30 Apr 2017

Accepted: 19 Jul 2017

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸

نرخ بالایی از طلاق داشته باشد (والدمن، رابلکاو، ۲۰۰۵؛ نگی و اشنايدر، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها در زمینه این‌گونه ازدواج‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های فرهنگی بین این زوج‌ها، تعارض‌های زناشویی^۳ را تحت تاثیر قرار می‌دهد و آنان از ثبات زناشویی پایین‌تری برخوردار هستند (ژانگ و ون هوک، ۲۰۰۹؛ بوستامانت، نلسون، هنریکسون و موناکس، ۲۰۱۱).

والدمن و رابلکاو (۲۰۰۵) نیز دریافتند که در ازدواج‌های بین‌فرهنگی، پتانسیل سوءتفاهم به‌طور معناداری افزایش می‌یابد. برطبق یافته‌های فو، تورا و کندال (۲۰۰۱) زوج‌های بین‌فرهنگی ممکن است با سطوح بالاتری از استرس و تعارض روبه‌رو شوند و در مقایسه با زوجین هم‌فرهنگ، رضایت کمتری را در روابط خود تجربه نمایند. اسکرونسکی، اوتمن، سیانگ و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی ادبیات پژوهشی در این زمینه دریافتند که در رابطه تمامی زوج‌ها عوامل استرس‌زایی همچون فرهنگ‌پذیری، برقراری ارتباط، نگرش نسبت به ازدواج، ویژگی‌ها و رفتارهای فردی، حمایت از خانواده، دیدگاه اجتماعی، نقش جنسیتی، مدیریت مالی و فرزندپروری وجود دارد. برطبق یافته‌های آنان تفاوت‌های فرهنگی به‌طور بالقوه می‌تواند این عوامل را تشدید نماید و تاثیر عمیقی بر کاهش رضایت و سازگاری زناشویی زوج‌های بین‌فرهنگی داشته باشد. بنابراین با توجه به مطالب عنوان‌شده اتخاذ رویکرد درمانی مناسب جهت کمک به این زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است. ملاحظات و استراتژی‌های درمانی برای زوج‌های بین‌فرهنگی، به‌طور کلی بر ارتقای دانش و اطلاعات فرهنگی زوجین و درمانگر تاکید می‌نماید. به‌علاوه درمانگر باید نسبت به مسائل خاص زوج‌های بین‌فرهنگی هوشیار باشد (سالیوان و کتون، ۲۰۰۶). در این راستا نصراصفهانی (۱۳۹۶) به بررسی پویایی‌های زوجی^۴ افراد با ازدواج بین‌فرهنگی پرداخت. طبق این یافته‌ها، پویایی‌های زوجی این افراد در سه دسته پویایی‌های زمینه‌ای^۵ (ویژگی‌های فردی و خانوادگی پیشین فرد را در بر می‌گیرد)، پویایی‌های مداخله‌گر^۶ (به‌وسیله عواملی شکل می‌گیرند که منحصر از زمان آشنایی زوجین و در اثر تقابل دو نفره آنان به‌وجود آمده‌اند) و پویایی‌های راهبردی^۷

مقدمه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، پیوسته در حال تحول و دگرگونی است. گستره و ژرفای این دگرگونی‌ها به‌حدی است که به‌نظر می‌رسد جامعه نوینی در حال پیدایش و شکل‌گیری بوده و دوره جدیدی در حیات بشر آغاز شده است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲). مفهومی که اندیشمندان برای تبیین این دگرگونی‌های چشمگیر به‌وفور به‌کار می‌برند، جهانی‌شدن^۱ است (عنایت و موحد، ۱۳۸۳). این مفهوم در قالب گسترش فناوری داده‌ها و ارتباطات، منجر به تمایز زمان و مکان، تشدید یکپارچگی و در هم تنیدگی مناسبت‌های گسترده در ابعاد و سطوح گوناگون و همچنین تبادل بیشتر فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورها شده است. پیامد گریزناپذیر مفهوم مذکور، ایجاد تغییرات فرهنگی و ارزشی بسیاری در جوامع گوناگون است (خواجه نوری و حسینی، ۱۳۹۵).

ازدواج و انتخاب همسر نیز یکی از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری زندگی اجتماعی است که در دهه‌های اخیر دگرگونی بسیاری پذیرفته است (آماتو و لندال، ۲۰۰۸). به‌دلیل این دگرگونی‌ها از اواسط قرن گذشته ازدواج‌های بین‌فرهنگی^۲ افزایش یافته است (رومانو، ۲۰۰۹). این‌گونه ازدواج‌ها به‌عنوان ازدواج بین دو نفر با زبان، مذهب و قومیت متفاوت تعریف می‌شود (دونوان، ۲۰۰۴؛ رولت، ۲۰۰۹). افزایش شمار ازدواج‌های بین‌فرهنگی نشان‌دهنده تضعیف مرزهای بین گروه‌های اجتماعی و همچنین کاهش فاصله اجتماعی در جامعه است. در نتیجه این تحولات پیش‌زمینه‌های فرهنگی که از تعامل اجتماعی و صمیمیت با گروه‌های اجتماعی دیگر جلوگیری می‌کرد، شکسته شده است و افراد تحت تاثیر مفهوم برابری اجتماعی، پذیرش بیشتری نسبت به فرهنگ‌های دیگر پیدا کرده‌اند (کوان و لیچر، ۲۰۰۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تجربه افراد از فرهنگ به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای پیچیده است و آنان، این تجارب و تفاوت‌های فرهنگی را به درون رابطه صمیمی خود خواهند آورد. این مساله باعث می‌شود که ازدواج‌های بین‌فرهنگی، مستعد استرس باشد. بنابراین شگفت‌آور نیست که این‌گونه ازدواج‌ها

3. marital conflict

4. marital dynamics

5. background dynamics

6. interventional dynamics

7. strategic dynamic

1. globalization

2. intercultural marriages

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از منظر روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون، پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زوجین بین‌فرهنگی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره استان اصفهان در سال ۱۳۹۵ بودند که این شرایط را داشتند: غیر هم‌استانی بودن (در پژوهش حاضر منظور زوجین غیر هم‌استانی ساکن استان اصفهان است)، هر یک از زوجین حداقل ۱۸ سال پیش از ازدواج در استان محل تولد خود زندگی کرده باشند، دارا بودن سابقه ازدواج حداقل سه سال، سطح تحصیلات بالای سیکل، عدم مراجعه به دادگاه برای طلاق در زمان اجرای پژوهش (زوجین در حال متارکه یا طلاق نباشند)، تمایل به شرکت داوطلبانه در جلسات زوج‌درمانی. از بین زوجین واجد شرایط ۱۶ زوج به صورت هدفمند انتخاب و به شیوه تصادفی در دو گروه زوج‌درمانی و گروه کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش، زوج‌درمانی بین‌فرهنگی را در ۸ جلسه به صورت زوجی دریافت کردند و گروه کنترل نیز در لیست انتظار بودند. این زوجین طی سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به پرسشنامه تعارض زناشویی پاسخ دادند. زوجین شرکت‌کننده دارای میانگین سنی ۳۳/۷۵ سال و انحراف استاندارد ۳/۱۵ بودند. در ادامه ساختار جلسات زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی برگرفته از نصراصفهانی (۱۳۹۶) در یک پژوهش داده بنیاد به‌عنوان پایان‌نامه دوره دکترا به صورت خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است.

(راهبرهای مورد استفاده برای رویارویی با چالش‌های به‌وجود آمده در زندگی مشترک را تشکیل می‌دهند) قرار می‌گیرند. بر طبق یافته‌های نصراصفهانی (۱۳۹۶) در کار با زوجین با ازدواج بین‌فرهنگی باید به زوجین کمک نمود تا تفاوت‌های فردی (استرود، دوربین، سایگال و نوبلوچ-فدرز، ۲۰۱۰؛ تیدول، ایستویک و فینکل، ۲۰۱۳؛ دنوان، ۲۰۰۴؛ هادسون و فرالی، برامباق و ویکاری، ۲۰۱۴)، خانوادگی (بوستامانت، نلسون، هنریکسون و موناکس، ۲۰۱۱؛ تاپهم، لارسون و هولمن، ۲۰۰۵؛ ناپ، نورتن و استندبرگ، ۲۰۱۵؛ وان چوی و مورداک، ۲۰۱۷) و فرهنگی (بهاگرا و دسیلوا، ۲۰۰۰؛ چیس، ۲۰۰۳؛ سشاردی و کنادسون-مارتین، ۲۰۱۳؛ هیز و دیگران، ۲۰۰۴) را بشناسند و مهارت‌های ارتباطی، صمیمانه و حل مساله (ابراهیمی و جان بزرگی، ۱۳۸۷؛ اپستین و ژنگ، ۲۰۱۷؛ اپستین، کورتیس، ادواردز و یانگ، ۲۰۱۴؛ اصفهانی، بهرامی، اعتمادی و محمدی، ۲۰۱۸؛ باگروز، ۲۰۰۷؛ تاو، اون، پیس و ایمل، ۲۰۱۵؛ جوادی، افروز، حسینیان، آذربایجانی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۴؛ سعادت، رستمی و دربانی، ۱۳۹۵؛ لی، ۲۰۰۱) لازم جهت برخورد با چالش‌های فرهنگی را کسب نمایند.

اما بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش منسجمی در مورد هیچ یک از تکنیک‌ها و رویکردهای پیشنهادشده و سودمندی آنان صورت نگرفته است، همچنین با وجود این که تجارب کلینیکی نشان‌دهنده افزایش ازدواج‌های بین‌فرهنگی در جامعه چند قومیتی ایران است، در زمینه این ازدواج‌ها در جامعه ایرانی اطلاعات اندکی در دست است، بنابراین پژوهش حاضر در پی بررسی این مساله بود که آیا زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بر تعارض زناشویی زوجین با ازدواج بین‌فرهنگی شهر اصفهان موثر است؟

جدول ۱

محتوای جلسات زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی

جلسه	محتوا
جلسه اول	برقراری ارتباط و ارزیابی: (معارفه، برقراری ارتباط، ارزیابی، اجرای پیش‌آزمون)
جلسه دوم	عشق و صمیمیت: (آشنایی زوج با عشق به‌عنوان یکی از نقاط قوت رابطه، آشنایی زوج با مفهوم نقشه عشقی و ترسیم نقشه عشقی خودشان، مرور تاریخچه صمیمانه گذشته، تقویت عشق و صمیمیت بین زوج)
جلسه سوم	ویژگی‌های خانواده اصلی: (آشنایی زوج با نقش خانواده اصلی در ارتباط، آشنایی با ویژگی‌های خانواده اصلی همسر، آشنایی با مهارت مدیریت تفاوت‌های خانوادگی)
جلسه چهارم	ویژگی‌های فردی و شخصیتی: (آشنایی با ویژگی‌های فردی و شخصیتی موثر در ارتباط زناشویی، بررسی نقش تفاوت‌های فردی و شخصیتی در ارتباط، آشنایی با مهارت مدیریت تفاوت‌های فردی و شخصیتی)
جلسه پنجم	مهارت‌های ارتباطی: (آشنایی با مهارت‌های اشتراک و ابرازگری صحیح در ارتباط، بررسی نقش پذیرش در زندگی مشترک، آشنایی زوجین با نقش حمایت عاطفی و تقویت آن در ارتباط)
جلسه ششم	مهارت‌های ساختاری: (آشنایی زوجین با انواع مرز، آشنایی زوجین با مزایای ایجاد مرز، آشنایی زوجین با تکنیک‌های ایجاد مرز در ارتباط با خانواده مبداء و روابط اجتماعی)
جلسه هفتم	مهارت‌های حل مساله: (آشنایی زوج با راهبردهای حل مساله ^۲ در برخورد با تفاوت‌ها، بررسی راهبردهای گزینشی، تلفیقی و خلاقانه)
جلسه هشتم	ایجاد تعلق و تداوم مهارت‌های آموخته‌شده و اختتام: (جمع بندی جلسات، آشنایی با راهبردهای نگهداری و تداوم مهارت‌های آموخته‌شده، اجرای پس‌آزمون)

ابزار سنجش

پرسشنامه تعارض زناشویی براتی و ثنایی (MCQ)

ابزار مورد استفاده برای سنجش تعارض زناشویی، پرسشنامه تعارض زناشویی براتی و ثنایی^۳ (MSQ) بود. این پرسشنامه ابعاد کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جداکردن امور مالی از یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پرسشنامه یک ابزار ۴۲ سوالی است و برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۵ تا ۱ به آنها اختصاص داده می‌شود. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر نشان‌دهنده تعارض بیشتر و نمره کمتر نشان‌دهنده رابطه بهتر است. این آزمون توسط سازندگان آن بر روی مراجعه‌کنندگان به مراجع قضایی یا مراکز مشاوره جهت رفع تعارض زناشویی

در تهران اجرا و هنجاریابی شده است. مشخصات روانسنجی آن به این شرح گزارش شده است: آلفای کرنباخ^۴ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ گزارش شده است و برای تعیین روایی^۵ این آزمون از تعدادی متخصص خانواده‌درمانی نظرخواهی شد و بنا به اعتقاد آنان آزمون دارای روایی محتوایی^۶ مناسب است (ثنایی، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد تعارض زناشویی را در سه مرحله ارزیابی به تفکیک دو گروه نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در گروه آزمایش برخلاف گروه کنترل در پیش‌آزمون نسبت به پس‌آزمون، نمرات تعارض زناشویی کاهش یافته و در پیگیری نسبت به پس‌آزمون ثابت است. در گروه کنترل نمرات از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون و پیگیری تغییر چندانی ندارند.

4. Cronbach's alpha
5. validity
6. content validity

1. boundary
2. problem solving strategies
3. Marital Conflict Questionnaire (MCQ)

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد تعارض زناشویی در سه نوبت اندازه‌گیری به تفکیک دو گروه

گروه	جنسیت	M		SD	
		پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
آزمایش	مرد	۱۳۲/۲۵	۹۲/۲۵	۱۶/۳۷	۸/۶۵
	زن	۱۴۸/۱۲	۱۰۱/۰۰	۱۷/۵۴	۸/۶۲
کنترل	مرد	۱۲۶/۶۲	۱۲۷/۰۰	۱۹/۰۹	۱۸/۷۳
	زن	۱۳۸/۸۷	۱۳۸/۳۷	۲۷/۵۸	۲۶/۸۴

زوج‌درمانی با گروه کنترل است ($p < 0/001$). اندازه اثر $0/30$ نشان می‌دهد که ۳۰ درصد تغییرات متغیر تعارض زناشویی ناشی از تأثیر متغیر مستقل است. اثر اصلی جنسیت معنادار نیست و این به معنای این است که زنان و مردان تغییرات را به یک اندازه درک کرده‌اند. اثر اصلی زمان معنادار است، این بدین معنی است که تغییرات متغیر تعارض زناشویی از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پیگیری تغییر کرده است. تعامل زمان و جنسیت معنادار نیست. تعامل زمان، جنسیت و گروه نیز معنادار نیست. از طرفی، تعامل زمان و گروه معنادار است. این بدین معنی است که تغییرات متغیر تعارض زناشویی حداقل در یکی از سطوح گروه آزمایش و کنترل در طول زمان تغییر کرده است. همان‌طور که جدول ۲ نشان داد، میانگین نمرات گروه زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پیگیری کاهش یافته است. این بدین معنی است که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی اثربخش بوده است.

در ادامه به منظور بررسی معناداری تفاوت‌های مشاهده‌شده در جدول ۲ از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر^۱ استفاده شد. پیش از اجرای این آزمون پیش فرض‌های آماری آن مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آزمون شاپیرو ویلک^۲ حاکی از برقراری شرط توزیع طبیعی نمره‌ها، نتیجه آزمون باکس^۳ نشان‌دهنده همسانی ماتریس کواریانس دو گروه و نتیجه آزمون لوین^۴ نشان‌دهنده برقراری شرط همسانی واریانس‌ها در متغیر پژوهش (تعارض زناشویی) بود. اما نتایج آزمون ماچلی^۵ نشان داد که مفروضه کرویت برای داده‌ها برقرار نیست به همین منظور با استفاده از اسپیلن^۶ درجات آزادی اصلاح شد. جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر را برای بررسی اثرات اصلی گروه، جنسیت، زمان و اثر تعاملی زمان و گروه، زمان و جنسیت، و زمان، گروه و جنسیت در متغیر تعارض زناشویی را نشان می‌دهد. از محتوای جدول مشخص است که اثرات اصلی گروه و زمان در سطح کمتر از $0/05$ معنادار به‌دست آمده است. معنادار بودن اثر گروه به معنی وجود تفاوت کلی متغیر تعارض زناشویی در بین دو گروه

1. variance analysis method with repeated measurement
2. Shapiro-Wilk test of normality
3. Box's test
4. Levene's test
5. Mauchly's Test
6. epsilon

جدول ۳

نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای اثرات اصلی و تعاملی تعارض زناشویی

منبع تغییر	MS	F	df	p	اندازه اثر	توان آزمون
اثر گروه	۱۱۷۰۴/۱۷	۱۱/۸	۱	۰/۰۰۲	۰/۳۰	۰/۹۱
اثر جنسیت	۳۰۶۰/۰۴	۳/۰۹	۱	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۴۰
اثر زمان	۱۰۱۳۷/۲۰	۲۵۲/۴۵	۱/۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۹۰	۱/۰۰
تعامل زمان*جنسیت	۸۸/۰۴	۲/۱۹	۱/۰۵	۰/۱۲۱	۰/۰۷	۰/۳۱
تعامل زمان*گروه	۹۹۶۱/۰۳	۲۴۸/۰۷	۱/۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۹۰	۱/۰۰
تعامل	۵۰/۵۷	۱/۲۶	۱/۰۵	۰/۲۷۳	۰/۰۴	۰/۲۰

زمان*جنسیت*گروه

پیش‌آزمون و پس‌آزمون حاکی از اثربخش بودن مشاوره زوجی مبتنی بر پویایی‌ها بر کاهش تعارض زناشویی زوجین است. همچنین کاهش نمرات در مرحله پیگیری که معنادار نیز هست، نشان‌دهنده ثبات اثربخشی مشاوره زوجی در طول زمان بوده است. با این حال، برای دقت بیشتر در نتایج و اطمینان بیشتر، باتوجه به این‌که آزمون بونفرونی، جمع میانگین دو گروه را مورد محاسبه قرار می‌دهد، باید نمودار اثرات اصلی گروه و زمان را مورد بررسی قرار داد. نمودار ۱ و ۲ اثرات اصلی گروه و زمان را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهند.

برای بررسی دو به دوی نتایج و بررسی دقیق تفاوت‌های ایجادشده در طول زمان از آزمون بونفرونی استفاده شد که در جدول ۴ نتایج آن نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، توان آماری مشاهده شده بالای ۰/۸۰ است و این نشان می‌دهد که حجم نمونه در گروه‌ها کفایت می‌کند. به‌علاوه در جدول ۴ مشاهده می‌شود که اختلاف بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار است. این مساله بدین معنی است که اختلاف میانگین‌های نمرات از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون کاهش یافته است. بنابراین باتوجه به اثربخش بودن اثر اصلی گروه و تفاوت بین گروه‌ها، می‌توان گفت اختلاف بین

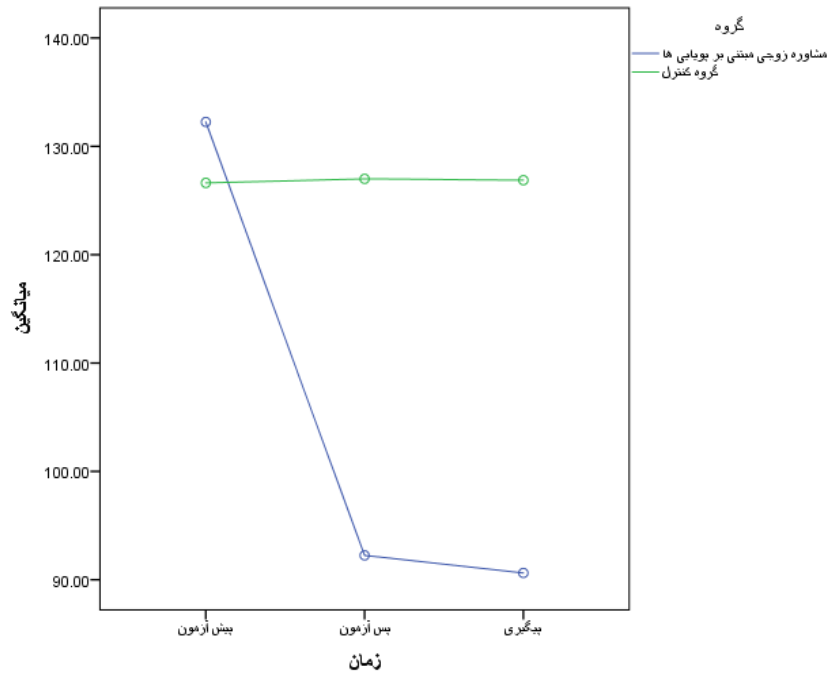
جدول ۴

نتایج آزمون بونفرونی برای متغیر تعارض زناشویی

I	J	اختلاف میانگین (I-J)	p
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۲۱/۸۱	<۰/۰۰۱
پیش‌آزمون	پیگیری	۲۲/۸۴	<۰/۰۰۱
پس‌آزمون	پیگیری	۱/۰۳	۰/۰۰۱

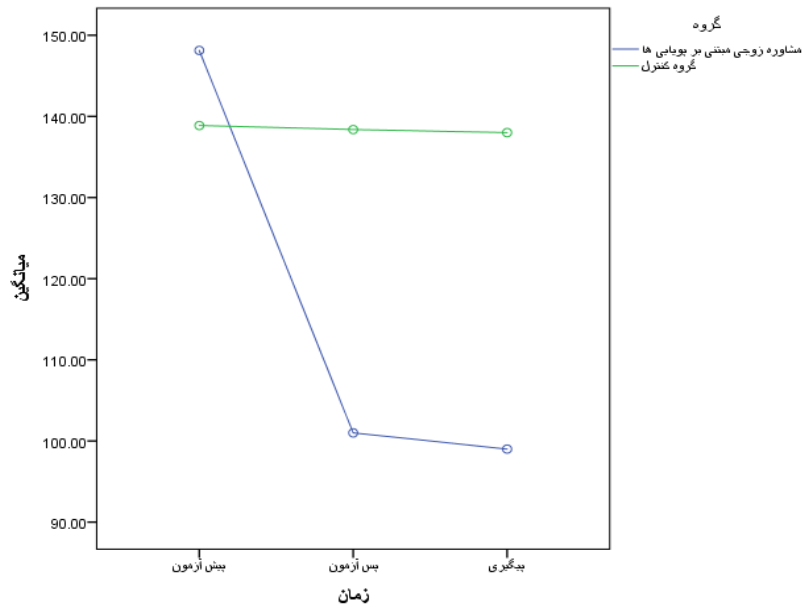
بودند، میانگین نمرات تعارض زناشویی آنها در پس‌آزمون و پیگیری کاهش یافته است.

همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، مردانی که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی را دریافت کرده



نمودار ۱. نمودار تغییرات تعارض زناشویی در طول زمان در مردان به تفکیک گروه‌ها

همانطور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، زنانی که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی را دریافت کرده بودند، میانگین نمرات تعارض زناشویی آنها در پس‌آزمون و پیگیری کاهش یافته است. بنابراین با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها، می‌توان گفت که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی توانسته است در کاهش تعارض زناشویی زوجین با ازدواج بین‌فرهنگی موثر باشد.



نمودار ۲. نمودار تغییرات تعارض زناشویی در طول زمان در زنان به تفکیک گروه‌ها

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بر تعارض زناشویی زوجین دارای ازدواج بین‌فرهنگی بود. یافته‌ها نشان داد که زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی بر کاهش تعارض زناشویی اثربخش بوده است. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر و بر اساس مولفه‌های اصلی درمان، بوستامانت، نلسون، هنریکسون و همکاران (۲۰۱۱)، تاپهم، لارسون و هولمن (۲۰۰۵)، ناپ، نورتن و استندبرگ (۲۰۱۵) و وان چوی و مورداک (۲۰۱۷) بر نقش ویژگی‌های خانواده اصلی، استرود، دوربین، سایگال و همکاران (۲۰۱۰)، تیدول، ایستویک و فینکل (۲۰۱۳)، دنوان (۲۰۰۴)، هادسون و فرالی، برامباق و همکاران (۲۰۱۴) بر نقش ویژگی‌های فردی و شخصیتی، ابراهیمی و جان بزرگی (۱۳۸۷)، اپستین و ژنگ (۲۰۱۷) و باگاروزی (۲۰۰۷) بر تقویت مهارت‌های صمیمانه، ارتباطی و حل مساله در ازدواج تاکید نموده‌اند. به‌علاوه بهاگرا و دسیلوا (۲۰۰۰) معتقدند که راهبردهای آموزشی و روانشناختی، دو راهبرد کلیدی برای کمک به زوجین با ازدواج بین‌فرهنگی است و درمانگران را به استفاده از تکنیک حل مساله جهت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی تشویق می‌نمایند.

علاوه بر مطالب عنوان شده، بر طبق یافته‌های سشاردی و کنادسون - مارتین (۲۰۱۳) توجه به پویایی فرهنگی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی می‌تواند تعارض‌های بین زوجین را کاهش دهد. به‌علاوه زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی با افزایش انعطاف‌پذیری جنسیتی، احترام به فرهنگ همسر، به رسمیت شناختن تفاوت‌ها، تغییر چارچوب فرهنگی و بسط ارزش‌ها و انتظارات و درک عمومی فرهنگ‌های دیگر، بر کاهش استرس‌های بین‌فرهنگی موثر است (بوستامانت، نلسون، هنریکسون و موناکس، ۲۰۱۱). درمان مذکور می‌تواند این شناخت را در فرد به‌وجود آورد که تفاوت‌های فرهنگی فقط تفاوت هستند و نشان‌دهنده تناقض یا شاخص‌های آسیب‌شناسی نیست. این مساله سبب می‌شود تا افراد از کلیشه‌ها دوری نموده و تفکرات قوم‌گرایانه خود را تغییر دهند (لی، ۲۰۰۱). به‌علاوه سبب می‌شود تا افراد از ارزش‌ها، زمینه‌های فرهنگی و جهان‌بینی خود اطلاع یابند. این مساله توانایی‌ها و مهارت‌های بین‌فرهنگی آنان را در تعاملاتشان با

افراد دارای فرهنگ متفاوت تحت تاثیر قرار می‌دهد (تاو، اون، پیس و ایمل، ۲۰۱۵)، همچنین آگاهی فرهنگی افراد را بالا می‌برد و به افراد می‌آموزد که رویکردها و دیدگاه‌های فرهنگی خود را بیان کنند و تحمل فرهنگی‌شان افزایش یابد (چیس، ۲۰۰۳؛ سعادت، رستمی و دربانی، ۱۳۹۵).

علاوه بر این، آموزش‌های مبتنی بر پویایی فرهنگی پیش‌داوری‌ها و باورهای افراد را در برخورد با افراد دارای فرهنگ متفاوت کاهش می‌دهد، فرایند برچسب‌زنی را در بین افراد کاهش می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا از پیش‌داوری‌های خود که ناشی از باورها، فرهنگ، نژاد و قومیتشان است، دوری کنند (هیز، بیست، روگت، پادیل، کوهلنبرگ و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین با تکیه بر حذف الگوهای ارتباطی معیوب و جایگزین کردن آنها با یکسری الگوی رفتاری خوشایند و تقویت پاسخگویی عاطفی زوجین، روابط زناشویی را در جهت بهبود سازگاری زناشویی و کاهش تعارض هدایت می‌کند (اپستین، کورتیس، ادواردز و یانگ، ۲۰۱۴؛ جوادی، افروز، حسینیان، آذربایجانی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۴). بنابراین با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان انتظار داشت زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی با افزایش آگاهی و پذیرش فرهنگی بین زوجین، همچنین تغییر الگوهای ارتباطی، تقویت مهارت حل مساله و تقویت عشق و صمیمیت، منجر به کاهش تعارض زناشویی زوجین شده باشد. البته باید توجه داشت که نمونه مورد بررسی در پژوهش

حاضر، نمونه کوچکی از زوجین بین‌فرهنگی ساکن در شهر اصفهان بودند و به همین دلیل بهتر است در تعمیم یافته‌های به‌دست آمده به دیگر گروه‌های زوجین دقت نمود. به‌علاوه به دلیل نو بودن موضوع پژوهش، هیچ پیشینه پژوهشی با نمونه ایرانی وجود نداشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده اثر بخشی زوج‌درمانی مبتنی بر پویایی‌های فرهنگی در سایر شهرها و فرهنگ‌ها و بر روی گروه‌های مختلف جمعیتی اجرا شود. علاوه بر این با توجه به این‌که پژوهش حاضر یک پژوهش پیشگام در کار با زوجین با ازدواج بین‌فرهنگی در جامعه ایرانی است، بنابراین به درمانگران پیشنهاد می‌شود که در برخورد با زوج‌های بین‌فرهنگی از یافته‌های پژوهش حاضر استفاده نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود از یافته‌های پژوهش حاضر در مراکز مشاوره جهت کمک به افرادی که قصد

فرهنگی، پیشنهاد می‌شود درمانگران از یافته‌های پژوهش حاضر در مشاوره با دیگر زوجین نیز استفاده نمایند.

ازدواج بین‌فرهنگی دارند استفاده شود. علاوه بر این، با توجه به گسترش ارتباطات در عصر حاضر و تضعیف مرزهای

سروش، م.، و حسینی، م. (۱۳۹۲). جهانی‌شدن، هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری. *زن و جامعه*، ۴، ۵۳-۷۶.

سعادت، ن.، رستمی، م.، و دربانی، س. ع. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) و درمان متمرکز بر شفقت (CFT) در تقویت عزت نفس و سازگاری پس از طلاق زنان. *دوفصلنامه روانشناسی خانواده*، ۳، ۵۸-۴۵.

عنایت، ح.، و موحد، م. (۱۳۸۳). زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی‌شدن. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۲، ۱۵۳-۱۶۶.

نصراصفهانی، ن. (۱۳۹۶). کشف پویایی‌های زوجی افراد با ازدواج بین‌فرهنگی و مقایسه تاثیر مشاوره زوجی مبتنی بر پویایی‌ها و رویکرد پذیرش و ذهن‌آگاهی بر سازگاری و تعارض زناشویی. پایان‌نامه دکتری مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.

منابع

ابراهیمی، ا.، و جان بزرگی، م. (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی. *روانشناسی و دین*، ۲، ۱۶۴-۱۴۷.

ثنایی ذاکر، ب. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.

جوادی، ب.، افروز، غ.، حسینیان، س.، آذربایجانی، م.، و غلامعلی لواسانی. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش‌های دینی بر رضایت زناشویی. *دوفصلنامه روانشناسی خانواده*، ۲، ۱۴-۳.

خواجه نوری، ب.، و حسینی، م. (۱۳۹۵). رابطه جهانی‌شدن و ارزش‌های ازدواج در بین ساکنان شهر شیراز. *زن و جامعه*، ۷، ۱۱۵-۱۳۴.

References

- Amato, P. R., & Landale, N. S. (2008). Precursors of young women's family formation pathways. *Journal of Marriage and Family*, 70, 1271-1286.
- Bagarozzi Sr, D. A. (2007). Understanding and treating marital infidelity: A multidimensional model. *The American Journal of Family Therapy*, 36, 1-17.
- Bhugra, D., & De Silva, P. (2000). Couple therapy across cultures. *Sexual and Relationship Therapy*, 15, 183-192.
- Bustamante, R. M., Nelson, J. A., Henriksen Jr, R. C., & Monakes, S. (2011). Intercultural couples: Coping with culture-related stressors. *The Family Journal*, 19, 154-164.
- Chase, K. M. (2003). Multicultural music therapy: A review of literature. *Music Therapy Perspectives*, 21, 84-88.
- Donovan, S. P. (2004). *Stress and coping techniques in successful intercultural marriages*. Doctoral dissertation, the Virginia Polytechnic Institute and State University, Virginia, USA.
- Epstin, N. B., Curtis, D. S., Edwards, E., & Young, J. L. (2014). Therapy with families in China: Cultural factors influencing the therapeutic alliance and therapy goals. *Contemporary Family Therapy*, 36, 201-212.
- Fu, X., Tora, J., & Kendall, H. (2001). Marital happiness and inter-racial marriage: A study in a multi-ethnic community in Hawaii. *Journal of Comparative Family Studies*, 32, 47-60.
- Hayes, S. C., Bissett, R., Roget, N., Padilla, M., Kohlenberg, B. S., Fisher, G., et al. (2004). The impact of acceptance and commitment training and multicultural training on the stigmatizing attitudes and professional burnout of substance abuse counselors. *Behavior Therapy*, 35, 821-835.
- Hudson, N. W., Fraley, R. C., Brumbaugh, C. C., & Vicary, A. M. (2014). Coregulation in

- romantic partners' attachment styles: A longitudinal investigation. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 40, 845-857.
- Isfahani, N. N., Bahrami, F., Etemadi, O., & Mohamadi, R. A. (2018). Effectiveness of counseling based on mindfulness and acceptance on the marital conflict of intercultural married women in Iran. *Contemporary Family Therapy*, 3, 1-6.
- Knapp, D. J., Norton, A. M., & Sandberg, J. G. (2015). Family-of-origin, relationship self-regulation, and attachment in marital relationships, contemporary. *Family Therapy*, 37, 130-141.
- Lee, C. C. (2001). Defining and responding to racial and ethnic diversity. *The Handbook of Counseling*, 581-588.
- Negy, C., Snyder, D. K. (2000). Relationship satisfaction of Mexican and non-Hispanic white American interethnic couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 293-304.
- Qian, Z., & Lichter, D. T. (2007). Social boundaries and marital assimilation: Interpreting trends in racial and ethnic intermarriage. *American Sociological Review*, 72, 68-94.
- Romano, R. C. (2009). *Race mixing: Black-white marriage in postwar America*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Ruebelt, S. G. (2009). *Exploration of cross-cultural couples' adjustment: Iranian women married to European-American men*. Doctoral dissertation, Saint Louis University, Saint Louis, USA.
- Seshadri, G., & Knudson-Martin, C. (2013). How couples manage interracial and intercultural differences: Implications for clinical practice. *Journal of Marital and Family Therapy*, 39, 43-58.
- Skowroński, D. P., Othman, A. B., Siang, D. T. W., Han, G. L. W., Yang, J. W. J., & Waszyńska, K. (2014). The outline of selected marital satisfaction factors in the intercultural couples based on the westerner and non-westerner relationships. *Polish Psychological Bulletin*, 45, 346-356.
- Stroud, C. B., Durbin, E., Saigal, S. D., & Knobloch-Fedders, L. M. (2010). Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An actor-Partner Interdependence Model analysis. *Journal of Research in Personality*, 44, 466 - 477.
- Sullivan, Ch., & Cottone, R. R. (2006). Culturally based couple therapy and intercultural relationships: A review of the literature. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 14, 221-225.
- Tao, K. W., Owen, J., Pace, B. T., & Imel, Z. E. (2015). A meta-analysis of multicultural competencies and psychotherapy process and outcome. *Journal of Counseling Psychology*, 62, 337-350.
- Tidwell, N. D., Eastwick, P. W., & Finkel, E. J. (2013). Perceived, not actual, similarity predicts initial attraction in a live romantic context: Evidence from the speed-dating paradigm. *Personal Relationships*, 20, 199-215.
- Topham, G. L., Larson, J. H., & Holman, T. B. (2005). Family-of-origin predictors of hostile conflict in early marriage. *Contemporary Family Therapy*, 27, 101-121.
- Waldman, K., & Rubalcava, L. (2005). Psychotherapy with intercultural couples: A contemporary psychodynamic approach. *American Journal of Psychology*, 59, 227-238.
- Whan chooi, S., & Murdock, N. L. (2017). Differentiation of self, interpersonal conflict, and depression: The mediating role of anger expression. *Contemporary Family Therapy*, 39, 21-30.
- Zhang Y., & Van Hook, J. (2009). Marital dissolution among interracial couples. *Journal of Marriage and Family*, 71, 95-107.